

بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: حکم مسکر، الکل

نجاست مسکر مایع بالاصاله و دو دسته روایت در آن:

بحث به مسکر مایع بالاصاله را رسید. روایات معتبری دال بر نجاست این مورد هست که اصحاب بر اساس آن فتوا داده‌اند. البته روایاتی هم بر طهارت دلالت دارند.

یکی از روایات نجاست، موثقه عمار ساباطی است. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... وَ لَا تُصَلِّي فِي ثَوْبٍ قَدْ أَصَابَهُ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ حَتَّى يُغَسَّلَ [1].

این روایت دلالت واضح بر نجاست مسکر دارد.

در صحیحہ علی بن یقطین هم آمده؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِاسْمِهَا وَ لَكِنْ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا كَانَ عَاقِبَتُهُ عَاقِبَةَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ [2].

هر چه که عاقبتش عاقبت خمر باشد، خمر است و در جمیع احکام مثل نجاست و حرمت، ملحق به آن می‌شود.

در روایت دیگری از علی بن یقطین فرموده‌اند: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِاسْمِهَا وَ لَكِنْ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا فَعَلَ فَعَلَ الْخَمْرُ فَهُوَ خَمْرٌ [3].

هر چند که این روایت، شامل مسکر جامد نیز هست، مسکر جامد، تخصیصاً از موضوع خارج است.

اما موثقه عبدالله بن بکیر معارض است. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْمُسْكِرِ وَ النَّبِيذِ يُصِيبُ الثَّوْبَ قَالَ لَا بَأْسَ [4].

حضرت (ع) فرموده: اشکالی ندارد؛ یعنی نجس نیست.

ممکن است تصور شود که جمع عرفی در حمل روایات دسته اول را بر کراهت و عمل به ادله طهارت است. اما این مانع وجود دارد که روایت عبدالله بن بکیر، به شدت مخالف شهرت بلکه اجماع است. پس از اعتبار ساقط شده و لذا مجبوریم که آن را بر تقیه حمل نماییم.

طهارت مسکر جامد

در متن خود نوشته‌ایم، "و اما لو كان جامدا كالبنج فادلة النجاسة منصرفة عنه و الاجماع على نجاسة المسكر غير شامل له. بل طهارته مجمع عليه و ان خولط بالماء".

طهارت امثال بنج -یعنی حشیش -که مسکر ولی جامد است، مجمع علیه است و اصحاب به طهارتش فتوا داده‌اند. ادله‌ای که راجع به نجاست مسکر آمده، ناظر به بنج نبوده و از آن منصرفند؛ چون بنج، چیز نادری است.

#### حکم نجاست یا طهارت الکل صنعتی

فتوای مرحوم امام این بود که اگر بدانیم که الکل از مایع مسکر بالاصاله یا خود خمر ماخوذ باشد، نجس است؛ [5] زیرا حالت سابقه آن نجاست بود و با تقطیر و تغلیظ، از این حال خارج نمی‌شود. اما اگر ندانیم که حالت سابقه چیست، ان شاء الله پاک است.

ما نوشته ایم، بل الصحيح ان الكحول المسماة ب "إسپرتو" الکل صنعتی که در زبان عربی به آن اسپرتو می‌گویند (و ان حرم شربها الا انه طاهر) شربش حرام است؛ برای اینکه ماده مضری است و قابل خوردن نیست و امحاء و احشاء را متلاشی کرده و سبب مرگ می‌شود. اما نجس نیست. چون سابقه‌اش را نمی‌دانیم، اصالة الطهارة جاری است.)

#### استدلالی بر طهارت الکل

البته ما استدلال دیگری داریم و آن این است که ادله نجاست مسکر مایع بالاصالة، ناظر به مسکر مایع بالاصالة بالفعل است که خورده می‌شود و سکر ایجاد می‌کنند. الکل از این چیزها نیست و برای ضد عفونی کردن یا برای رنگ کردن در و پنجره چوبی ساخته شده. پس مسکر که به معنای ماده آشامیدنی مست کننده و متعارف است و الکل جزء اینها نیست و انصراف دارد. الکل غلظت شدیدی دارد و مواد مسکورش به قدری زیاد است که سمی به حساب می‌آید و موجب مرگ می‌شود. هرچه هست، قابل شرب نیست. وقتی که این طور شد، ادله از الکل منصرف می‌شوند. این ادله ناظر به مشروبات مست کننده متعارف بین فسقه و فجره هستند. استدلال ما این است و با استدلال امام، مقداری تفاوت دارد. ادله نجاست که الکل را نگیرند، در "کل شیء طاهر" و "کل شیء حلال" داخل می‌شود. مثل بقیه چیزهایی که دلیل بر نجاست ندارند و خود به خود پاک هستند.

[1] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج 3، ص 470، أبواب النجاسات و الاوانی و الجلود، باب 38، ح 7، ط آل البيت.

[2] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج 25، ص 342، أبواب الاشربة المحرمة، باب 19، ح 1، ط آل البيت.

[3] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج 25، ص 343، أبواب الاشربة المحرمة، باب 19، ح 2، ط آل البيت.

[4] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج3، ص471، أبواب النجاسات و الاوانى و الجلود، باب38، ح11، ط آل البيت.

[5] موسوعة الإمام الخميني 32 الى 41 (استفتائات امام خمينى (س))، الخميني، السيد روح الله، ج1، ص356.